

«کتاب‌شناسی ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی» در بوته نقد

حاضران

کتاب‌شناسی‌ها از منابع مهم مرجع و ابزاری در اختیار پژوهش‌گران هستند که با استفاده از آنها می‌توان به شناسایی منابع اطلاعاتی متناسب با نیازها اقدام ورزید. از آنجا که یکی از وظایف عمده تمام کتابخانه‌های ملی در دنیا گردآوری منابعی است که درباره آن کشور در دنیا منتشر شده است، از سال ۱۳۷۶ با حضور متخصصان انگلیسی زبان و روسی زبان، کار بروی کتاب‌های روسی و انگلیسی بخش ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی کتابخانه ملی کار خود را آغاز کرد و امکاناتی فراهم شد تا پژوهش‌های لازم برای فهرست‌نویسی کتاب‌های لاتین به فارسی آغاز شود. در سال ۱۳۷۹ با حضور کارشناسان زبان آلمانی فهرست‌نویسی این کتاب‌ها نیز آغاز شد.

«کتاب‌شناسی ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی» در سال ۱۳۸۷ در دو جلد از سوی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، با همکاری بنیاد ایران‌شناسی به چاپ رسید. این کتاب‌شناسی ویژگی‌های خاصی از نظر فهرست‌نویسی و به خصوص نگارش و به کار بردن خط‌ها و هماهنگی تمام عناصر فهرست‌برگه با مسائل فرهنگی مورد نیاز کتابخانه‌های ایران دارد که آنرا به اثری ارزشمند تبدیل می‌کند. کتاب ماه به‌منظور آشنایی بیشتر مخاطبان خود با این اثر ارزشمند، نشستی در فروردین ماه سال ۱۳۸۸ به‌منظور نقد و بررسی آن ترتیب داده بود که گزارش آنرا در ادامه می‌خوانید.

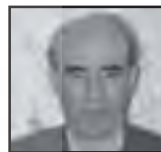
دکتر نوراله مرادی،

دبیر جلسه و مشاور رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی



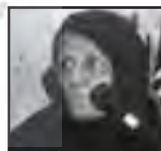
دکتر علی اشرف صادقی،

استاد دانشگاه و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی



دکتر ناهید بنی‌اقبال،

استاد دانشگاه و رئیس کتابخانه فرهنگستان زبان و ادب فارسی



پوری سلطانی،

عضو هیئت علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی



دکتر حسن شهرستانی،

معاون پژوهشی بنیاد ایران‌شناسی



دکتر مرادی:
در شرایط فعلی حدود
سی هزار جلد کتاب به
زبان‌های مختلف در
کتابخانه ملی ایران در
بخش ایران‌شناسی
و اسلام‌شناسی
جمع‌آوری شده، ولی
به چهار زبان انگلیسی،
فرانسه، آلمانی و روسی
فهرست‌نویسی و کار
شده است



هزاره فرودوسی شکل گرفت. در سال ۱۳۱۶ کتابخانه ملی ایران تأسیس شد. یکی از وظایف عمده تمام کتابخانه‌های ملی در دنیا، گردآوری منابعی است که درباره آن کشور در دنیا منتشر می‌شود، ولی متأسفانه این نکته مهم درباره کتابخانه ملی ایران سال‌ها نادیده گرفته شده بود و اگرچه کتاب‌هایی درباره ایران جمع‌آوری می‌شد، ولی جزئی از قوانین آن که همان ایران‌شناسی بود، نادیده گرفته می‌شد. در سال ۱۳۴۱ آقای ایرج افشار که رئیس کتابخانه ملی ایران بودند، دستور دادند کتاب‌هایی را که درباره ایران به زبان‌های غیرفارسی و عربی وجود دارد، از مجموعه خارج کنند و در اتاقی قرار دهند و آنجا را بخش ایران‌شناسی نامیدند. در واقع بخش ایران‌شناسی کتابخانه ملی از سال ۱۳۴۱ کارش را آغاز کرد. رفته‌رفته به این نقیصه پی‌بردند و در اساسنامه کتابخانه ملی گنجانده شد که وظیفه کتابخانه ملی گردآوری انتشارات داخلی و تمام منابع و کتاب‌هایی است که درباره ایران منتشر می‌شود و این امروزه جزء رکن اصلی اساسنامه کتابخانه ملی است. بدین ترتیب در شرایط فعلی حدود سی هزار جلد کتاب به زبان‌های مختلف در کتابخانه ملی ایران در بخش ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی جمع‌آوری شده، ولی به چهار زبان انگلیسی، فرانسه، آلمانی و روسی فهرست‌نویسی و کار شده است. درباره بقیه کتاب‌ها کار چشم‌گیری صورت نگرفته است. به هر جهت کتاب‌شناسی موجود همین چهار زبان را دربرمی‌گیرد. کسانی که روی این کتاب‌شناسی کار کردند، خانم پوری سلطانی و آقای کامران فانی هستند. البته جای آقای فانی بسیار خالی است. ایشان به‌عنوان سرویراستار و سکاندار این کار بودند. خانم شهره

دکتر مرادی: زمستان سال گذشته کتاب «کتاب‌شناسی ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی» در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران رونمایی شد. این کتاب حاوی اطلاعات کتاب‌شناختی و فهرست‌نویسی مجموعه کتاب‌های ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی کتابخانه ملی ایران است. بدین معنا که فقط منابع موجود در کتابخانه ملی ایران را شامل می‌شود.

ایران‌شناسی شاخه‌ای از شرق‌شناسی است و شرق‌شناسی هم شعب مختلفی مثل مصرشناسی، هندشناسی، ایران‌شناسی، اسلام‌شناسی، بابل‌شناسی و امثال آنها دارد. ولی وقتی که از ایران‌شناسی صحبت می‌کنیم باید به این نکته توجه داشته باشیم که آن را به دو دوره می‌توان تقسیم کرد: یکی دوران پیش از اسلام و دیگری دوران بعد از اسلام. ایران‌شناسی پیش از اسلام در دوره هخامنشیان با کتاب‌هایی که یونانیان و بعد رومی‌ها نوشتند، شروع شد. پس یک ویژگی که در اینجا مطرح می‌شود، ایران‌شناسی از نگاه غیرایرانی‌هاست. به بیان دیگر ما در ایران، ایران‌شناس نداریم و هر چه داریم متخصص رشته‌های دانش بشری هستند. در اینجا ایران از نگاه خارجی‌ها و عمدتاً در آن دوره از دید غربی‌ها مطرح شده است. اولین بار هم کتاب‌های آنها که توسط تجار، سیاست‌مداران یا جهانگردان کنجکاو نوشته شده بود، در دوره قاجاریه به فارسی ترجمه شد یا مورد توجه قرار گرفت. در سال ۱۳۱۳ که هزاره فرودوسی در ایران برگزار شد، نقطه عطفی برای ما بود، برای اینکه شاید بتوان گفت یکی از انگیزه‌های ایجاد و تأسیس کتابخانه ملی در همین

دکتر مرادی:
کتاب «کتاب‌شناسی
ایران‌شناسی و
اسلام‌شناسی» حاوی
اطلاعات کتاب‌شناختی و
فهرست‌نویسی مجموعه
کتاب‌های ایران‌شناسی و
اسلام‌شناسی کتابخانه
ملی ایران است



قرار گرفت و هر نوبت هر کمبودی که داشتند، مرتفع می‌شد، تا انتشار این کتاب عقب نیفتد. با وجود اینکه فکر می‌کنیم چاپ این کتاب کمی با تأخیر صورت گرفت، خوشبختانه این کتاب به‌شکل فاخری از سوی سازمان اسناد و کتابخانه ملی با همکاری بنیاد ایران‌شناسی منتشر شد.

بنا به دلایلی، کتاب‌های عربی و فارسی در این مجموعه وجود ندارد و فقط همین چهار زبانی که ذکر شد موجود است. اما امیدوارم که در آینده باز هم با این نوع همکاری‌ها، هم منابع دیگر در فهرست‌های مجموعه‌های کتاب‌شناسی منتشر شود و هم کتاب‌هایی که به تدریج اضافه می‌شود. علاوه بر آن بنیاد ایران‌شناسی یک کتابخانه تخصصی، شامل حدود یکصد هزار جلد کتاب و یک بانک مطالعات ایران‌شناسی، حاوی نزدیک به نیم میلیون رکورد اطلاعات کتاب‌ها، مجلات و مکتوبات دیگر مربوط به ایران دارد که می‌تواند دستمایه کتاب‌شناسی‌ها یا پیوست‌های این اثر در آینده نزدیک باشد.

دکتر مرادی: کتاب‌شناسی در ایران سابقه بسیار کهنی دارد که اگر بخواهیم از ابن‌ندیم شروع کنیم، سابقه آن به هزار سال می‌رسد، ولی با همین معیار جدید هم سابقه آن به صد سال می‌رسد و انواع و اقسام هنرهایی را که می‌توان در کتاب‌شناسی به کار برد، ایرانی‌ها به کار بردند و انواع و اقسام کتاب‌شناسی‌ها را منتشر کردند. ولی این کتاب‌شناسی ویژگی خاصی دارد. بدین معنا که پس از مدت‌ها، نوآوری بزرگی در این کتاب‌شناسی به‌وجود آمده و آن این است که اصلاً نوع کار از نظر فهرست‌نویسی و به‌خصوص نگارش و به‌کاربردن خط‌ها تغییر کرده است. از خانم سلطانی که هم طراح این نوآوری بودند و هم خودشان در تمام این مدت کار کردند و نظارت مستقیم بر کار داشتند، تقاضا می‌کنم درباره روش کار و ساختار این کتاب‌شناسی، توضیحاتی بدهند.

سلطانی: در مقدمه باید بگویم که نظام فهرست‌نویسی

طراوتی، خانم شهیده سلطانی، آقای واهیک وسکان و دکتر محسن شجاعی در بخش زبان انگلیسی، فرانسه، آلمانی و روسی همکاری تنگاتنگی با مجریان طرح داشتند؛ این اثر پس از سال‌ها تلاش از سوی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران منتشر شد. در کنار این گروه، بنیاد ایران‌شناسی با مدیریت آقای حسن حبیبی نیز پشتیبانی مالی برای اجرای این طرح را برعهده داشت. ابتدا خواهش می‌کنم از آقای دکتر شهرستانی، به‌عنوان نماینده بنیاد ایران‌شناسی، درباره حمایت‌های بنیاد برای انتشار کتاب توضیح دهند.

دکتر شهرستانی: کتاب‌شناسی، کلید و عصای دست هر محقق در همه رشته‌هاست. وقتی که چند سال پیش این طرح به‌همت خانم سلطانی و آقای فانی مطرح شده بود، کتابخانه ملی رغبتی برای چاپ این اثر در آن شرایط نداشت یا اینکه امکانات برای آنها فراهم نبود و به‌دنبال حمایت‌کننده مالی می‌گشتند و وقتی با آقای دکتر حبیبی صحبت کرده بودند، در آن سال خیلی مورد توجه قرار گرفت. در کارهای فرهنگی دو نوع حمایت وجود دارد؛ یکی حمایت مالی، و مهم‌تر از آن حمایت معنوی و تشویق به این کار است که خوشبختانه مرحله به مرحله این کار از سوی بنیاد ایران‌شناسی مورد تأیید



سلطانی:
فکر فهرست‌نویسی
کتاب‌های غیرفارسی
به فارسی از اواخر دههٔ
چهل، وقتی توجه ما را
جلب کرد که شروع به
فهرست‌نویسی کتاب‌های
فارسی و خارجی کردیم
الگوی ما در کار سبک
فهرست‌نویسی کتابخانه
کنگره بود. با بررسی
فهرست برکه‌های
کتابخانه‌های کنگره
متوجه شدیم کتاب‌های
کتابخانه کنگره به هر
زبانی که باشد تنها به
زبان انگلیسی فهرست
شده است

کند تا به زبان اصلی کتاب. ما هم تصمیم گرفتیم که این کار را برای مردم کشور خود انجام دهیم، یعنی تمام کتاب‌هایی را که به زبان لاتین هستند، به زبان فارسی فهرست‌نویسی کنیم. البته این کار مورد نیاز مردم ما بود، ولی امکان انجام این کار در آن موقع نبود و ما با همهٔ عشق و علاقه‌ای که به این کار داشتیم، در اواخر دههٔ چهل و اوایل دههٔ پنجاه هرگز نتوانستیم چنین کاری را انجام دهیم و به‌زودی پس از تحقیقاتی که انجام دادیم، به حرف خواجه حافظ رسیدیم که گفته: «که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها». این مشکل وجود داشت زیرا ابزار و منابعی که ما این کار را انجام دهیم، نداشتیم و متوجه شدیم که ابتدا باید این منابع و ابزار را تهیه کنیم تا بتوانیم به این کار دسترسی پیدا کنیم. در آن زمان، سیستم کتابداری ایران به‌قدری تازه و نوپا بود که امکان چنین تصمیمی در آن موقع وجود نداشت. در آن زمان من به شیراز رفتم و از کتابخانهٔ ملاصدراي شیراز که در آن زمان کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه شیراز بود، بازدید کردم. وقتی برگه‌دان کتابخانه را نگاه کردم، دیدم که آنها هم به پیروی از کتابخانهٔ کنگره تمام کتاب‌های فارسی موجود را به لاتین فهرست‌نویسی کردند. من بسیار تعجب کردم و برآشفته شدم. زیرا در آن زمان در کتابخانه‌های ایران دو

کشور ما یک نظام انگلومریکن است و چه بهتر که ما این نظام را از ابتدا برگزیدیم، برای اینکه این نظام فهرست‌نویسی در تمام دنیا مورد استفاده قرار گرفته است. با اینکه ما از نظام انگلومریکن استفاده می‌کنیم، ولی هر کشوری باید ویژگی‌های زبانی و ملی خود را در این مبحث رعایت کند. فکر فهرست‌نویسی کتاب‌های غیرفارسی و عربی به فارسی از اواخر دههٔ چهل، وقتی توجه ما را جلب کرد که شروع به فهرست‌نویسی کتاب‌های فارسی و خارجی کردیم. الگوی ما در کار، سبک فهرست‌نویسی کتابخانهٔ کنگره بود. برای تسریع در کار تصمیم گرفتیم که فهرست‌برگه‌های کتابخانهٔ کنگره را خریداری کنیم و از روی آن عمل کنیم. در همین موقع بود که فهمیدیم کتاب‌های کتابخانهٔ کنگره تنها به زبان انگلیسی فهرست شده است و هر خط و زبانی که در اصل کتاب آمده، باز هم به زبان انگلیسی فهرست‌نویسی شده، یعنی اگر کتاب به زبان روسی، فرانسوی یا به هر زبانی که بود، فهرست آن به زبان انگلیسی بود و حتی زبان‌های غیرلاتینی مثل چینی، ژاپنی، فارسی و عربی هم به زبان انگلیسی فهرست‌نویسی شده است. ما وقتی در فهرست‌نویسی کتابخانهٔ کنگره نگاه می‌کردیم، می‌دیدیم که مثلاً دربارهٔ کتاب گلستان سعدی که سعدی را با حروف لاتین نوشتند، با وجود اینکه نسخهٔ فارسی کتاب گلستان را آوانویسی کرده و به زبان لاتین نوشتند. علاوه بر این می‌دیدیم که تمام موضوعات این کتاب هم به زبان انگلیسی است. این مسئله‌ای بود که در فهرست‌نویسی تمام کتاب‌های کتابخانهٔ کنگره وجود داشت. فلسفهٔ کار روشن بود. کتابخانهٔ کنگره برای ملت خود کار می‌کرد و وظیفهٔ اصلی آنها این است که به مردم کشور خود خدمت‌رسانی کند. بنابراین، طبیعی است که مردم هر کشوری با زبان خود بهتر می‌توانند کار کنند تا زبان‌های دیگر. یعنی حتی اگر یک فرد ایران‌شناس وجود داشته باشد و بخواهد دربارهٔ ایران تحقیق کند، برای او راحت‌تر است که کتاب را به زبان لاتین ببیند یا حداقل وقتی جست‌وجو می‌کند، از طریق زبان انگلیسی، کتاب خود را پیدا

فهرست‌نویسی کنید. با توجه به مثال‌های گوناگونی که در مقدمه کتاب‌شناسی ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی وجود دارد و قابل مشاهده است، می‌توان گفت این سیستم به گونه‌ای است که همه کاربران از هر کشور و زبانی که باشند، می‌توانند با استفاده از این کتاب، کتاب‌های خود را به زبان خود بازیابی کنند، یعنی اگر یک فرد روسی هم به این کتاب مراجعه کند و فارسی نداند، به زبان روسی می‌تواند کتاب‌های خود را بازیابی کند. البته ایرانی‌ها هم که زبان‌های خاص روسی و فرانسه را نمی‌دانند، ولی انگلیسی می‌دانند، از طریق زبان فارسی می‌توانند همه کتاب‌ها را بازیابی کنند. این شیوه‌ای است که ما در کتاب‌شناسی ایران‌شناسی به کاربردییم، یعنی به‌طور کلی فهرست‌کردن کتاب‌هایی غیر از زبان فارسی و عربی به فارسی. موضوعات آن را نیز به فارسی دادیم، مثلاً از طریق جست‌وجوی موضوع تحت جمشید می‌توانید کتاب‌های روسی، فرانسه، انگلیسی و آلمانی را پیدا کنید. ما در این مجموعه همین چهار زبان را شامل کردیم، به دلیل اینکه برای زبان‌های دیگر متخصص زبانی نداشتیم. در طول این مدت از زمانی که در مرکز اسناد بودیم و تا وقتی که به کتابخانه ملی آمدم تمام تلاش ما این بود که ابزار لازم را به وجود بیاوریم و مهم‌ترین این ابزار قوانین آوانویسی به زبان‌های مختلف بود. بنابراین ما شیوه‌نامه‌هایی برای هر یک از این چهار زبان تدوین کرده و کار را شروع کردیم و مشکلات را در ضمن کار برطرف کردیم.

دکتر صادقی: می‌توانیم این کتاب را از دو زاویه نگاه کنیم؛ یکی از منظر کاربر و یکی از منظر کتابدار. ابتدا درباره ساختار کتاب بحث کنیم و ببینیم ارزیابی کاربری مثل دکتر صادقی که خوشبختانه خود ایشان به چندین زبان اشراف دارند و در حوزه‌های مختلف زبانی صاحب‌نظر هستند، چیست؟

دکتر صادقی: ابتدا گایه‌ای کنم و آن هم اینکه چرا از مؤلفان و دست‌اندرکاران تألیف این کتاب ما کم می‌بینیم. توقع داشتم دکتر محسن شجاعی که منابع روسی آن را تهیه کردند و همچنین کتابدارانی از کتابخانه ملی حضور می‌داشتند. ابتدا توضیحی درباره ایران‌شناسی بدهم که چرا ایران‌شناسی از دیدگاه خارجی‌ها مطرح است و چرا وقتی گفته می‌شود ایران‌شناسی، منظور شناخت ایران از نگاه خارجی‌ها و به‌ویژه غربی‌هاست. از وقتی که شرق‌شناسی برای مقاصد خاصی به وجود آمد، طبعاً شناخت جهان شرق از دید

سیستم به‌کارمی‌بردند، یکی برای کتاب‌های فارسی و عربی که به فارسی فهرست می‌کردند و یکی کتاب‌های خارجی که همگی به زبان انگلیسی فهرست می‌شد. اما در کتابخانه ملاحظه کردیم که کتاب‌های فارسی و عربی را هم به زبان لاتین فهرست کردند. وقتی علت را جویا شدم فهمیدم که این کتابخانه با یک کتابخانه آمریکایی با هم متحد شده بودند و قرار بود تمام رؤسای کتابخانه از خارج به ایران بیایند. در سال‌های ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰، کتابدار متخصصی که بتواند تمام نیاز کشور را برآورده کند، در ایران وجود نداشت. بنابراین آنها ناچار بودند برای سروسامان دادن به کتابخانه از کتابداران خارجی استفاده کنند و نتیجه آن هم این شده بود که کتابدار آمریکایی عیناً کار کتابخانه کنگره را در آنجا نیز انجام می‌داد. در مرکز خدمات کتابداری هم ابتدا که شروع به کار کردیم درباره این مسئله که آیا این کار را انجام دهیم یا خیر، کمی بحث شد و این طبیعی بود که ما به این نتیجه برسیم که باید برای مردم مملکت خود کار کنیم. همان‌طور که کتابخانه کنگره برای مردم مملکت خود کار می‌کند. در آن زمان در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران که آقای ایرج افشار ریاست آن را به عهده داشتند همراه با خانم دقیقی که بعد از گذراندن دوره‌ای تازه از خارج برگشته بودند نیز کتاب‌های فارسی و عربی موجود را به زبان فارسی فهرست می‌کردند. ولی وقتی شماره بازیابی را نگاه می‌کردید، آن شماره با حروف لاتین بود. مثلاً برای کتابی که سعدی نوشته به جای اینکه س ۷ درج شود، S۲ گذاشته بودند. در نتیجه بازیابی‌ها از نظر الفبای فارسی مخدوش بود و براساس الفبای لاتین بود. البته آنها هم تقصیری نداشتند، به این دلیل که در آن زمان جدول‌های نشانه مؤلف به وجود نیامده بود. بنابراین کارهای بسیاری باید صورت می‌گرفت تا برای فهرست‌نویسی کتاب‌های لاتین به فارسی به درجه بلوغ برسیم. در سال ۱۳۵۶ وقتی قرار شد سیاست فهرست‌نویسی کتابخانه ملی پهلوی را بنویسم، در آنجا نوشتم که سرانجام یک روزی باید همه کتاب‌های لاتین به فارسی فهرست شوند. ولی چون لوازم و ابزار ما آماده نیست، فعلاً همین شیوه‌ای را که در ایران مرسوم است، ادامه می‌دهیم. اما درباره مواد دیداری و شنیداری چون هنوز هیچ کاری نشده و تازه کتابخانه ملی پهلوی می‌خواهد این کار را شروع کند، باید همه کتاب‌ها را به فارسی فهرست کند، چون در اینجا اول کار هستیم. در آن دست‌نامه‌ای که نوشتم حتی برای آنها مثال‌های زیادی زده بودم. مثلاً فرض کنید، چگونه می‌توانید نوار موسیقی سمفونی ششم بتهون را به فارسی

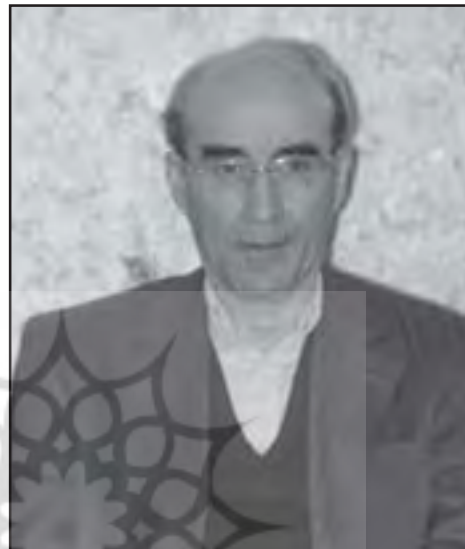


سلطانی:
در باره اینکه چرا
مقالات فهرست شده‌اند،
ما به این فکر کردیم
که هر مطلبی درباره
ایران‌شناسی داریم باید
فهرست کنیم و شاید این
مقاله در کتاب‌های دیگر
نباشد و شاید فردی به
همین مقاله نیاز داشته
باشد بنابراین ما همه
این مقالات را جلد کردیم
و به‌عنوان یک کتاب
فهرست کردیم

روش تحقیقات جدید را غربی‌ها به ما آموختند، روش تحقیق ما در کتاب‌های ما مشخص است و کسانی که دست‌اندرکار هستند، می‌دانند، ولی تحقیق درباره زبان‌های قدیم ما را غربی‌ها آغاز کردند زبان‌های متروکی بودند که غربی‌ها را از سنگ‌نشته‌ها و کتاب‌ها کشف کرده و برای ما خواندند. ما هم روش را از آنها یاد گرفتیم. تحقیق درست در تاریخ و سایر رشته‌ها را آنها به ما یاد دادند و البته بعد از اینکه ما یاد گرفتیم، دانشمندان برجسته‌ای پیدا کردیم که ابتکاراتی هم داشتند و این روش و تحقیقات را پیش بردند. ما امروزه دیگر به غربی‌ها احتیاجی نداریم، اگرچه هنوز در برخی از رشته‌ها ناچاریم اول ببینیم آنها چه می‌گویند. مثلاً فرض کنید درباره زبان‌های قدیم ایران، اوستا و فارسی باستان به‌علت بعد زمانی که ما نسبت به این زبان‌ها داریم و اینکه این زبان‌ها از نظر ساختار با زبان‌های یونانی، لاتینی، سانسکریت و اسلاو نزدیک‌تر هستند و ما از آن زبان‌ها اطلاعاتی نداریم. بنابراین آنها بهتر می‌توانند در زبان‌های اوستا، فارسی باستان و سانسکریت ما تحقیق کنند. باید ببینیم آنها اول چه کار می‌کنند، زیرا ما هنوز متخصص نداریم. مضافاً اینکه کتابخانه‌های مجهز در این زمینه‌ها و همچنین مقالات و مجلات مختلف شرق‌شناسی در اختیار آنهاست و کتابخانه‌های ما هرچه کوشش می‌کنند، نمی‌توانند تمام این مجلات را مشترک شوند و داشته باشند. حدود بیست سال پیش اسنادی به زبان پهلوی از آخر دوره ساسانی قرن اول هجری در ایران پیدا شد و این سندها به‌تدریج به خارج منتقل شدند. حدود ۲۷۰ نسخه از این اسناد که روی پارچه و چرم نوشته شده بودند و حاوی اسناد

غربی‌ها، اروپایی‌ها و بعد هم آمریکایی‌ها بود. به این دلیل این دیدگاه، یک دیدگاه غربی بود و بعد هم قسمت‌های مختلف شرق‌شناسی، شامل ایران‌شناسی، چین‌شناسی، مصرشناسی و غیره، همه مربوط به دوره‌های قبل از اسلام بود، یعنی وقتی گفته می‌شود مصرشناسی، منظور شناخت مصر قبل از ورود اسلام به آن سرزمین است. بنابراین وقتی ایران‌شناسی در زبان فارسی به‌کار رفته، ترجمه ایران‌شناسی فرنگی است، با همان بار معنایی و با توجه به اینکه ما از درون به کشور و فرهنگ و تاریخ خود نگاه می‌کنیم، دیدگاه ما را نمی‌رساند. به‌اعتقاد من زحمت زیادی برای این کتاب کشیده شده است. برای چاپ یک مقاله صرف‌نظر از تهیه آن، غلط‌گیری مقاله بسیار مشکل است، مخصوصاً وقتی حروف لاتین در آن باشد، وقت بسیاری می‌گیرد. این کتاب دو هزار و هشتصد صفحه‌ای، چقدر نیرو و وقت از تهیه‌کنندگان و دست‌اندرکاران این کتاب گرفته تا به این صورت پیش روی ماست و ما از آن استفاده می‌کنیم و چقدر کار خوبی انجام دادند که این کتاب‌شناسی را به ایران‌شناسی به آن مفهومی که عرض کردم و به اسلام‌شناسی یعنی ایران‌شناسی بعد از دوران اسلامی که برای ما ملموس‌تر است و ما در آن زندگی می‌کنیم، اختصاص دادند و هر دو جنبه را در اینجا ارائه داده‌اند. البته آن دیدگاه غربی را که در مقدمه آورده‌اند، لحاظ کردند، یعنی گفتند کتاب‌هایی را که غربی‌ها درباره اسلام نوشتند، آورده‌ایم و کتاب‌هایی را که خودمان نوشتیم، چه به زبان فارسی و چه ترجمه‌شده به زبان‌های دیگر را نیاورده‌ایم. پس می‌توانیم بگوییم که، این دیدگاه غربی‌هاست. به هر حال

دکتر صادقی:
تحقیق دربارهٔ
زبان‌های قدیم ما را
غربی‌ها آغاز کردند،
زبان‌های متروکی
که غربی‌ها آنها را
از سنگ نبشته‌ها و
کتاب‌ها کشف کرده و
برای ما خواندند



به چند نکته دربارهٔ متن کتاب اشاره‌ای می‌کنم و بعد چند نکته ویرایشی درخصوص مقدمه عرض می‌کنم. کتاب بسیار غنی است. همان‌طور که این کتاب را تورق می‌کردم، دیدم که حدود هشت‌هزار عنوان کتاب انگلیسی، سه‌هزار عنوان کتاب روسی و دو هزار و دویست عنوان فرانسه است. تعجب کردم که کتاب‌های آلمانی حدود هفتصد عنوان است، در حالی که بیشترین منابع دربارهٔ ایران‌شناسی به زبان آلمانی است. زمانی که پرفسور لنز که استاد زبان‌های ایرانی در آلمان بودند و تألیفات گرانبهایی هم در این باره دارند و قبل از انقلاب به ایران آمده بود، می‌گفت که آلمان یک گنجینهٔ بزرگی به کتابخانهٔ ملی ایران اهدا کرد و در این کتاب هم اشاره شده که بخشی از این کتاب‌ها را آلمان‌ها داده‌اند و بخشی طی سال‌ها خریداری شده و بخشی هم اهدای داخلی است که به‌ر حال تعداد آن کم است. در حالی که باید کتاب‌های آلمانی حتی از فرانسه و روسی بیشتر باشد. مخصوصاً در قرن نوزدهم آلمان و زبان آلمانی در شرق‌شناسی و ایران‌شناسی مقام اول را داشته است و تعداد مجلات و کتاب‌هایی که منتشر کرده‌اند، بیش از مجموع کتاب‌هایی به زبان انگلیسی و فرانسه است. نکتهٔ دیگر اینکه از بعضی کتاب‌ها، مثلاً یک کتاب پنج‌جلدی سه جلد آن موجود است و باقی جلد‌ها نیست. برای نمونه کتاب روسی فرهنگ تاریخی زبان عاصی که ویراستار آن آبایف، دانشمند برجسته ایرانی‌زبان قفقاز است، یک کتاب پنج‌جلدی است که من در منزل دارم، ولی در اینجا سه جلد آن موجود است و بقیه نیست. جلد آخر این کتاب که نمایه است باید حتماً باشد، چون به مطالعهٔ کتاب کمک می‌کند. همچنین یک مؤلف فرانسوی و یک ایرانی که پنجاه سال از عمر خود را در فرانسه گذرانده‌اند، چون با اینها آشنایی داشتم، آثارشان را نگاه کردم، دیدم که از پرفسور بندنیس همهٔ آثارش و از دکتر محمد مکرری تقریباً بیشتر کتاب‌هایش در اینجا موجود است و جای خوشحالی است. حتی بعضی از مقالات آنها نیز فهرست شده که احتمالاً مقالات به کتابخانه اهدا شده و بعد فهرست شده است.

حسابداری مالیاتی، نامه‌های دوستانه و نامه‌های اداری بودند، به کتابخانهٔ دانشگاه برکلی منتقل شدند و ۳۰ نسخه از آنها به برلن رفت. دوست بنده، پرفسور فیلیپ ژین‌یو که متخصص زبان پهلوی و شناخت این اسناد و کتیبه‌هاست، از پاریس به برکلی دعوت شد تا این اسناد را شناسایی کند و مقالاتی هم در این باره نوشت. برخی از آنها را خواند و بعد متوجه شد که ۳۰ نسخه از این اسناد به برلن رفته است. با خانم ماریا ماکسوخ که یک خانم دورگه که مادرش ایرانی و پدرش اهل چک و استاد زبان پهلوی است، در این باره مکاتبه کرد، او هم تأیید کرد که ۳۰ نسخه از اسناد در برلن هست و عتیقه‌فروشی که آنها را به اینجا آورده، گفته که ما این اسناد را در غاری در اطراف شهر قم پیدا کردیم. همچنین چند نسخه‌ای هم که پرفسور ژین‌یو مطالعه کرده بود، این مسئله را ثابت می‌کرد. چون سه بار نام قم با «ک» در این اسناد آمده بود. من خواستم آنها را معرفی کنم و مقاله‌ای در این باره بنویسم چون هیچ کس از آنها اطلاع ندارد. متوجه شدم که دو یا سه مقاله بیشتر ندارم. از آقای ژین‌یو خواستم که از یکی از آنها برای من عکس بگیرد و بفرستد و تا به حال نتوانستم یکی از آنها را در مقاله‌ای پیدا کنم. این مشکل تحقیق دربارهٔ مسائل مربوط به تاریخ، زبان و جغرافیای کشور ماست که باید گفت ما با کمبود امکانات مواجه هستیم.

تعجب کردم که
کتاب‌های آلمانی حدود
هفتصد عنوان است،
در حالی که بیشترین
منابع دربارهٔ
ایران‌شناسی به زبان
آلمانی است

دکتر شهرستانی:
بنیاد ایران‌شناسی یک
کتابخانه تخصصی،
شامل حدود یکصد هزار
جلد کتاب و یک بانک
مطالعات ایران‌شناسی،
حاوی نزدیک به
نیم‌میلیون رکورد
اطلاعات کتاب‌ها، مجلات
و مکتوبات دیگر مربوط
به ایران دارد



مقدمه را به دقت مطالعه کردم و شماره برخی صفحات را از قبل یادداشت کرده‌ام که اگر قرار شده تجدید چاپ شود، صحبت‌های من مورد عنایت قرارگیرد. این آوانویسی‌هایی که اینجا شرح داده شده و در متن به زبان فارسی اعمال شده، از فرانسه و آلمانی برگردانده شده و برای ما قابل خواندن نیست چون اعراب ندارد. برای مثال عنوانی مثل (روو) به نام مجله به زبان فرانسه، طوری نوشته شده که خیلی قابل درک نیست. من فکر می‌کنم حالا که با این زحمت و دقت این عناوین چاپ شده، بهتر بود اعرابی هم گذاشته شود. در جایی دیگر نوشته شده است که برای آوانویسی این چند زبان ما چندین سال وقت صرف کردیم (ص ۱۴). درست است که سال‌ها زمان صرف تهیه جدول‌های آوانویسی شده، ولی در عرض یک ماه می‌توانست این کار انجام شود. همچنین متن دارای مقداری ایرادات ویرایشی است. مثلاً در صفحه ۱۵ در سرشناسه پدیدآور به‌روش کنگره نوشته شده: محمود افشار یزدی بعد آنجا به‌صورت یزدی عنوان شده و بعد محمود افشار آمده و نوشته شده، در حالی که نام خانوادگی وی افشار یزدی است و نامبرده به افشار معروف است و بهتر بود حداقل افشار یزدی انتخاب می‌شد. من متوجه نشدم چرا حداقل‌دگر شده، باید حداقل افشار یزدی انتخاب می‌شد. در همین سرشناسه کلمه تالگان آمده، کسانی که با اصطلاحات کتابداری آشنایی ندارند، متوجه معانی آن نمی‌شوند چون این کتاب برای کاربران معمولی، ایران‌شناسان و اسلام‌شناسان تهیه شده است، نه برای کتابداران. بنابراین بهتر بود توضیحی در حاشیه آن داده می‌شد.

بنده به اتفاق چند تن از همکاران از یک کتابخانه بازدید کردیم. وقتی ما را به بخش فهرست‌نویسی راهنمایی کردند، فردی را دیدم که کارمند آنجا بود و روی میزش نوشته بود «مسئول دبیرش» که من از ایشان خواستم ابتدا توضیح دهند دبیرش یعنی چه تا بنده بفهمم کار شما چیست؟ به‌کاربردن این کلمات برای مردم نامفهوم است و بهتر است زمانی که اینگونه کلمات به کار می‌روند، توضیح یا

معادل انگلیسی آن نوشته شود. مثلاً در صفحه ۱۲ می‌بینیم جامعه کتابخوان، جامعه کتابخانه چاپ شده که فکر می‌کنم ایراد تایپی است که از نظر دور مانده است. یا در جایی عبارت «الفبای سیریل» آمده و در جای دیگر «سیریلیک» به‌کاررفته که صحیح هم همین است و معمولاً سیریلیک گفته می‌شود، در صفحه بیست، سطر هشتم باز سیریل به‌کار رفته که بهتر بود یکدست شود. در صفحه بیست و دو، سطر سوم حرف بی‌صدا به‌کار رفته که در واقع یک اصطلاح غلط است و بهتر بود از مصوت و صامت استفاده می‌شد که کلمه علمی‌تری است. در صفحه هفت در آخرین مرحله چند تا مربع در نوشته‌های لاتین باقی مانده است که فکر می‌کنم ایراد کامپیوتری است که بهتر بود در ویرایش به این نکات دقت شده و حذف می‌شد. البته مواردی که عنوان شده ایرادات کوچکی هستند که به‌هیچ‌وجه از عظمت کار و فایده آن نمی‌کاهد و من به خانم پوری سلطانی و آقای کامران فانی، تهیه‌کنندگان و سازمان اسناد و کتابخانه ملی و تمام کسانی که سهمی در تهیه این کار اساسی داشته‌اند، تبریک می‌گویم و امیدوارم که این سرآغاز شروع کارهایی از این مقوله باشد. امیدوارم مشکلات کمبود بودجه که در کتاب مطرح شده از بین برود و کتابخانه ملی بتواند بودجه مناسبی برای تهیه کتاب‌های خارجی داشته باشد.

دکتر مرادی:
مرکز ایران‌شناسی
پیشانی کتابخانه ملی
است و هر ایران‌شناسی
در هر کجای دنیا اگر
بخواهد تحقیق کند،
طبیعتاً اولین جایی که
به ذهنش می‌رسد مرکز
ایران‌شناسی سازمان
اسناد و کتابخانه ملی
ایران است

دکتر مرادی: آقای دکتر صادقی فرمودند که جای مؤلفان کتاب در این جلسه خالی است که کاملاً صحیح می‌فرمایند. در آغاز هم در خدمت آقای مطلبی که برنامه‌ریزی این کار انجام می‌شد، قصد این بود تهیه‌کنندگان کتاب دعوت شوند، به خصوص دکتر محسن شجاعی، ولی به علت کمبود جا و نداشتن امکانات، فضای کوچک‌تری در نظر گرفته شد. امیدوارم در جلسات بعدی این بزرگواران نیز حضور داشته باشند. خانم سلطانی اگر شما درباره صحبت‌های دکتر صادقی نظری دارید، بفرمایید.

سلطانی: ایشان به مطالبی اشاره کردند که ما تا حدودی به آنها رسیدیم و سعی در برطرف کردن آن داریم. ایشان درباره امکان دسترسی مراجعه‌کنندگان به تمام کتاب‌هایی که در کتابخانه‌های دیگر در ایران وجود دارد و نه تنها خود کتابخانه ملی ایران صحبت کردند. ما دو طرح ارائه دادیم که یکی فهرست کردن کتاب‌هایی در همین مجموعه بود که تا به حال فهرست نشده‌اند و چون همه ما تجربه بیشتری پیدا کردیم، پس کار را بهتر و دقیق‌تر انجام خواهیم داد و دیگر اینکه یک فهرستگان کتاب‌های ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی در ایران به وجود بیاوریم، یعنی کتابی منتشر کنیم که فهرست تمام کتاب‌های ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی را در یکجا گردآوری کنیم. طبق محاسبه ما هفت مؤسسه وجود دارد که مجموعه‌های ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی آنها غنی هستند که قصد داریم همه آنها را در یکجا فهرست کنیم. همه این کارها نیاز به بودجه دارد. ما در مجموعه، کتاب‌هایی به زبان آلمانی، ایتالیایی، اسپانیایی و همچنین زبان‌های دیگر فراوان داریم، ولی چون متخصص زبانی نداشتیم، آنها را کنار گذاشتیم و همین چهار زبان را آوردیم.

دکتر صادقی فرمودند که چرا فقط هفتصد جلد کتاب به زبان آلمانی در کتاب‌شناسی وجود دارد و این به آن علت است که فردی که تخصص زبان آلمانی داشت، به عنوان آخرین فرد به کتابخانه ملی پیوست و ما به ایشان فهرست‌نویسی یاد دادیم و با زحمت فراوان این کار را انجام دادند و نتوانستند روی کتاب‌های بیشتری کار کنند. همچنین امکان جذب فردی به صورت تمام‌وقت فراهم نشد. درباره اینکه چرا مقالات فهرست شده‌اند، همان‌طور که خود ایشان فرمودند، ما به این فکر کردیم که هر مطلبی درباره ایران‌شناسی داریم باید فهرست کنیم و شاید این مقاله در

کتاب‌های دیگر نباشد و شاید فردی به همین مقاله نیاز داشته باشد بنابراین ما همه این مقالات را جلد کردیم و به عنوان یک کتاب فهرست کردیم.

دکتر مرادی: از خانم دکتر بنی‌اقبال که عمری را در فهرست‌نویسی و آموزش کتابداری گذرانده‌اند، خواهش می‌کنم که این کتاب را از دید کتابداری مورد بررسی قرار دهند.

دکتر بنی‌اقبال: هیچ کاری بی‌غلط نیست و دیکته نانوخته غلط ندارد. کسانی که خود دست‌اندرکار تهیه کتابی به این شکل هستند، خوب می‌دانند که نیرو، هماهنگی بین این نیروها و همچنین ایجاد تعهد برای آنها، آموزش فنی، تجهیزات، نرم‌افزار، سخت‌افزار و بالاخره مسئله مادی تا چه اندازه کاری سخت و طاقت فرسا است. آنچه من از دور با سیر چندساله کتابخانه ملی آشنا بودم، این فرازونشیب‌هایی که از نظر فضا، جابه‌جایی، و جز آن، همه، مسائلی هستند که روی کارهایی با این حجم تأثیر دارند. من می‌دانم که این کار ماه‌ها تعطیل شده است. آنچه را در اینجا مطرح می‌کنم فقط حاصل تجربیات خودم است. خانم سلطانی می‌فرمایند فهرست‌نویسی فارسی در آن زمان برای کتاب‌های لاتین کار مشکلی بود. من وقتی باخبر شدم، قرار است مجموعه ایران‌شناسی به فارسی فهرست شود، خوب با توجه به اینکه در بنیاد ایران‌شناسی برای مدتی و همچنین فرهنگستان زبان و ادب فارسی کار می‌کنم، بسیار تشویق شدم که چرا کتاب‌های لاتین ما به فارسی فهرست نشوند، ولی عملاً بسیار کار سخت و مشکلی است و هرگز چنین کار مشکلی را قبول نکردم.

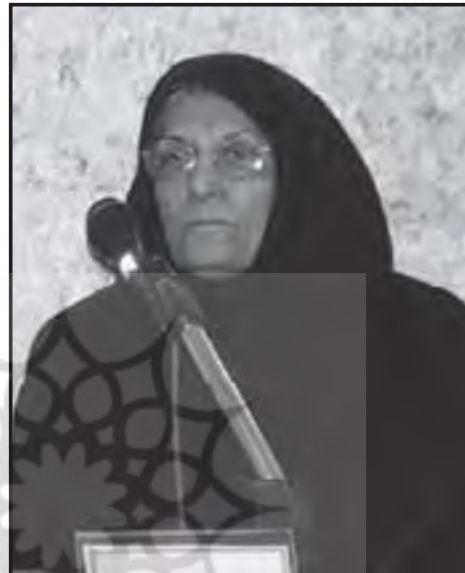
آنچه را که می‌خواهم از خانم سلطانی سؤال کنم، فقط به عنوان یک شاگرد است از معلم خود. قبل از هر چیز، عنوان کتاب‌شناسی نظر من را به خودش جلب کرد، چون خانم سلطانی به ما یاد دادند که وقتی مجموعه‌ای جایی را معرفی می‌کنیم، باید فهرست بنویسیم و کتاب‌شناسی تمام آنچه در هر جا موجود است، شامل می‌شود. حتماً دلیلی داشته که کتاب‌شناسی شده است. مسئله دیگر تعریفی است که از ایران‌شناسی در مقدمه آمده است. دکتر مرادی به عنوان دبیر این نشست تا حدودی روشن فرمودند که غرض از ایران‌شناسی چه بوده است. من با علت موجودی این کتاب کاملاً موافقم که اصلاً نمی‌شود روی آن خطی کشید. روزی به آقای دکتر حبیبی به عنوان یک مجموعه‌ساز برای کتابخانه بنیاد ایران‌شناسی می‌گفتم که سقّای کربلا در کتابخانه

ایران‌شناسی چه کار می‌کند. به من فرمودند از ایران شیعه را بگیرید، از اسلام آن چیزی نمی‌ماند. گفتم خوب این همه دایرةالمعارف اسلامی، از جمله تشیع، جهان اسلام و بزرگ اسلامی وجود دارد آنها کار خود را انجام می‌دهند. فرمودند اگر آنها نکنند چه، ما که بنیاد ایران‌شناسی هستیم، بهتر نیست مجموعه غنی داشته باشیم. یا وقتی مجموعه ترجمه‌های دکتر ذبیح‌الله منصوری به کتابخانه آمد، گفتم آقای دکتر این مجموعه دیگر با بنیاد ایران‌شناسی چه کاری دارد. فرمودند اگر بنا باشد تاریخ ترجمه ایران نوشته شود، آیا می‌توان ذبیح‌الله منصوری را نادیده گرفت. گفتم پس ما در فرهنگستان چه کار می‌کنیم، می‌توان این تاریخ را در فرهنگستان نوشت. واقعاً تشخیص درباره اینکه این موضوع ایران‌شناسی است و این موضوع نیست کار بسیار سختی است. اما بحث من بر سر تعریفی است که در اینجا از ایران‌شناسی شده است. اگر ذکر شود که ایران قبل از اسلام این مقوله‌ها را شامل می‌شود و حالا ایران بعد از اسلام آنها را ندارد یا تعریفی که از شرق‌شناسی هست و تا حدودی در اینجا مرعی شده، شاید تعریف توجیه کتاب‌هایی با چنین موضوعاتی بود. در رکورد دوم این کتاب ما تنها موضوعات بودا، بودیسم، ذن در آسیا و تمدن بودایی را داریم، برای کاربر این سؤال پیش می‌آید که کدام یک از این موضوعات با ایران‌شناسی ارتباط دارد. صد البته برای یک محقق ادیان در ایران لازم است که این کتاب‌ها را بررسی کند و من مطمئنم که می‌توان این کار را با بررسی در تعریف ایران‌شناسی توجیه کرد. رکورد ششم فقط درباره افغانستان و تاریخ و تمدن آن است، رکورد هفتم به ترکمنستان، رکورد هشتم به قفقاز، رکورد نهم به کتابخانه‌های روسیه شوروی، رکورد هجدهم به نسخه‌های خطی ارمنی، رکورد نوزدهم به تمدن هند اختصاص دارد. رکوردهای بیست و یک، بیست و هشت و بیست و نه سه کتاب آتاتورک است، سی و هشت و سی و نه آوازهای معنوی گریگوری به ارمنی است. همه اینها نشان می‌دهد که لازم است تعریفی که در مقدمه این کتاب از ایران‌شناسی شده گسترش بیشتری پیدا کند و تجدیدنظر شود. مسئله شناسه‌ها در خصوص شناسه‌های افزوده، کتابی است به زبان روسی که خلاصه‌ای به انگلیسی دارد، حتماً عنوان به انگلیسی هم هست. همچنین بازبایی این کتاب به انگلیسی آسان‌تر است. براساس آمار، از بین صد نفری که به این کتاب مراجعه می‌کنند، چهلگی، زبان انگلیسی می‌دانند. بنابراین کتابی که خلاصه به انگلیسی دارد، بهتر است عنوان به انگلیسی هم

داشته باشد و به آن شناسه افزوده شود. بدین ترتیب استفاده از این کتاب بسیار امکان‌پذیرتر می‌شود. حتی کتاب‌هایی که نه تنها خلاصه بلکه فهرست تصاویر و مندرجات به انگلیسی دارند، اما عنوان به انگلیسی ندارند. من می‌دانم که چه خون دلی برای این کار خورده شده، ولی برای ویرایش‌های آینده عرض می‌کنم. در مورد کتابی، اسم مؤلف در عنوان آورده شده ولی به مؤلف شناسه افزوده داده نشده است. سؤال دیگر من این است که چرا ما در فهرست‌نویسی شناسه افزوده مؤلف - عنوان می‌دهیم، نرم‌افزارها نتوانستند طبیعی هم هست می‌گویند این عنوان بعد از مؤلف مثل یک کلمه وسط یک مطلب است و نمی‌توان آن را بازبایی کرد. من مرتب در کلاس‌ها تذکر می‌دهم که شناسه افزوده مؤلف عنوان را فراموش کنید و یک شناسه مؤلف و یک شناسه عنوان بدهید تا هر دو قابل بازبایی باشند. در صفحه ۱۳۳۵ رکورد ۸۶۷۲ عنوان یک کتاب روسی است که به انگلیسی هم آمده است اما شناسه مؤلف عنوان داده شده است و به عنوان به تنهایی شناسه افزوده داده نشده است به این ترتیب این رکورد در عنوان‌ها جستجو نمی‌شود در حالی که اگر این دو از هم جدا می‌شدند هر دو قابل بازبایی بودند و در آینده ان‌شاءالله خواهند شد و یا اگر غیر از این باشد باید نرم‌افزارها از این بابت کامل‌تر شوند.

دکتر مرادی: در حال حاضر مرکز ایران‌شناسی کتابخانه ملی حدود سی‌هزار جلد کتاب دارد و طبق برآوردی که برای تکمیل آن انجام شده، شاید چند صد میلیارد تومان پول لازم باشد. مقایسه‌ای که خانم سلطانی در مقدمه این کتاب در یکی دو موضوع مرکز کتابشناسی کتابخانه ملی را با کتابخانه کنگره انجام دادند و مقایسه کردند، جالب است. به عنوان مثال در مورد خیام که یک شخصیت فرهنگی بزرگ جهان و همین‌طور از بزرگ‌ترین شخصیت‌های فرهنگی کشور ما است تعداد کتاب‌ها و منابعی که در مرکز ایران‌شناسی به زبان‌های غیر فارسی و عربی داریم به بیست جلد نمی‌رسد در حالی که این رقم در کتابخانه کنگره نزدیک به هزار و صد جلد است البته همه آن کتاب نیست و سایر منابع رسانه‌ها هم هستند از جمله لوح فشرده، موسیقی که در مورد کارهای او وجود دارد، نت موسیقی و چیزهای دیگر و اگر بخواهیم از تعداد کتاب‌های آنها کم کنیم باز هم تفاوت بین دو کتابخانه مشاهده می‌شود. این در شرایطی است که به قول آقای فانی مرکز ایران‌شناسی پیشانی کتابخانه ملی است و هر ایران‌شناسی در هر کجای

دکتر بنی اقبال:
قبل از هر چیز، عنوان
کتاب‌شناسی نظر
من را به خودش
جلب کرد، چون
خانم سلطانی به ما
یاد دادند که وقتی
مجموعه جایی را
معرفی می‌کنیم، باید
فهرست بنویسیم و
کتاب‌شناسی تمام
آنچه در هر جا موجود
است، شامل می‌شود



بود که جلدها را در یک گونی و متن‌ها را در گونی دیگری ریخته بودند و به صحافی بردند. ما مشکلات مالی بسیاری داریم و کمک کردن به آن ابعاد مختلفی را شامل می‌شود و شاید اولین آن مسئله فرهنگ سازی باشد. لوف طی بازدیدی که از کتابخانه ملی داشتند گفتند که مجموعه آلمانی شما از مجموعه آلمانی که ما در دانشگاه آکسفورد داریم کمتر است. بنابراین ما برای رسیدن به آن سرمنزل مقصود کلی راه داریم ولی امیدوارم که روزی به خواسته خانم سلطانی یعنی ساختن فهرستگان برسیم. معاونت فناوری کتابخانه ملی طی جلساتی که با سرکار خانم سلطانی و دوستان با ایشان داشتیم قول دادند اولین کاری که می‌کنند این مجموعه را به صورت مجازی روی سایت کتابخانه ملی قرار دهند و در آنجا حتی یک بخشی را بگذارند که خاص ویرایش باشد که هر کسی در هر جای دنیا بتواند نظر خود را برای اصلاح آن به کتابخانه ملی منتقل کند و بعد هم منتظر این نباشند که هر چند سال یک بار یک جلد برای آن منتشر کنند بلکه به صورت روزآمد هر چه کار انجام می‌شود آن را وارد سایت کنند تا روز به روز کار توسعه پیدا کند و هر چند سال یک بار به صورت یک مجموعه روزآمدی منتشر شود. در خاتمه اگر اساتید محترم فرمایشی دارند بفرمایند، همچنین از دوستان حضار در جلسه خواهش می‌کنم اگر سؤال و نظری دارند بفرمایند.

یکی از حاضران: این جلسه برای نقد و بررسی کار بزرگی که انجام شده برپا شده است. ما سال‌ها منتظر بودیم که چنین مجموعه گردآوری شود تا بدانیم چه آثاری وجود دارد و چگونه می‌توان از آن استفاده کرد، بنابراین جای تقدیر و سپاسگزاری از خانم سلطانی و دوستان دیگر وجود دارد. خواستم پیشنهادی ارائه کنم و آن اینکه ما با دوره کتاب‌شناسی‌های چاپی فاصله زیادی گرفته‌ایم. شاید بیش از یک دهه است که از آمدن رایانه، نرم‌افزارها و شبکه‌های مختلف می‌گذرد و با اینترنت و ارتباطی که کتابخانه‌ها دارند تقریباً می‌توان گفت کار کتاب‌شناسی‌های چاپی را بسیار سخت کرده زیرا هم

دنیا اگر بخواهد تحقیق کند، طبیعتاً اولین جایی که به ذهنش می‌رسد برای این که تماس بگیرد و کمک بخواهد مرکز ایران‌شناسی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران است. شاید اغراق نباشد که یکی از ویژگی‌های اکثر ایران‌شناسان سراسر جهان این است که با زبان فارسی آشنایی دارند و همه آنها در یک چیز مشترک هستند و آن هم دانستن زبان فارسی است و نیاز دارند که کتابخانه ملی هم از نظر منابع فارسی و هم منابع غیر فارسی به آنها کمک کند. یک خاطره بسیار تلخی برای بخش ایران‌شناسی کتابخانه ملی پیش آمده بیان می‌کنم تا ببینید که متأسفانه گاهی نگاهی که به ایران‌شناسی می‌شده، چگونه بوده است. سال‌ها قبل، قبل از انتقال به ساختمان جدید کتابخانه ملی، در ساختمانی که قسمتی از کتابخانه ملی در آنجا ذخیره شده بود مدیر آن ساختمان با این که کتابخانه ملی در آنجا باشد مخالف بود و دستور تخلیه آن را داده بود و کتابخانه ملی هم در انجام این کار تعلل می‌کرد. در یک روز تعطیل به رییس کتابخانه ملی اطلاع می‌دهند که کتاب‌ها را از ساختمان بیرون ریختند. رئیس کتابخانه ملی برای من تعریف کردند که وقتی من آمدم کتاب‌ها را از پنجره طبقه چهارم به پایین ریخته بودند و تمام شیرازه‌ها کنده شده بود و جلدها از متن جدا شده بود. این کتاب‌ها همان مجموعه اهدایی هیتلر

دکتر مرادی: طی صحبت‌هایی که با آقای اشعری داشتیم قرار شد نام امسال را در کتابخانه ملی سال ایران‌شناسی بگذارند و قول دادند که مجموعه ایران‌شناسی را هم از نظر کتاب کامل کنند و از نظر بودجه هم در شرایط فعلی دو سوم بودجه خرید را به خرید منابع ایران‌شناسی اختصاص داده‌اند

وقت‌گیر است و هم جست‌وجوی مناسب را در اختیار کاربران قرار نمی‌دهد. پیشنهاد من استفاده از این مجموعه به شکل نرم‌افزاری آن است، زیرا کتاب از نظر قیمت و حجم بسیار سنگین است و به‌خصوص دانشجویان برای استفاده مشکل خواهند داشت.

سلطانی: آقای دکتر مرادی گفتند که قرار است این کتاب در سایت کتابخانه ملی قرار بگیرد تا همگان بتوانند از آن استفاده کنند. همان طور که در مقدمه کتاب آورده‌ام از ابتدا قرار بود ما این کتاب را در سیستم پارس‌آدرش کار کنیم اما آن سیستم به ما جواب نداد و در آن زمان سیستم در حال تغییر بود تا به یک سیستم جامع وارد شود که در حال حاضر هر چند با وجود مشکلاتی که دارد در کتابخانه ملی کار می‌شود بنابراین ما کلاً توانستیم این کتاب را با برنامه کامپیوتری اجرا کنیم پس آن را با نرم‌افزار زرنگار اجرا کردیم که این نرم‌افزار امکان نمایه‌سازی و غلط‌گیری آسان را ندارد. به هر حال سعی می‌کنیم این بار در یک برنامه جامع جدید این کار را انجام دهیم تا حتی در منزل هم قابل بازیابی باشد و همین طور لوح فشرده آن را منتشر کنیم. ولی من شخصاً اعتقاد دارم گرچه این مجموعه‌ها باید به صورت الکترونیکی وجود داشته باشد ولی به صورت چاپی آن هم باید باشد برای این که هنوز کتابخانه‌هایی در شهرهای دور افتاده وجود دارد که مجهز به سیستم‌های رایانه‌ای و به خصوص وب نیستند بنابراین نمی‌توانند از نسخه الکترونیکی آن استفاده کنند. نکته بعدی اینکه این مجموعه کتابی نیست که دانشجو در منزل داشته باشد این یک کتاب کتابخانه‌ای است که کتابخانه‌های سراسر ایران باید آن را داشته باشند و دانشجویان در کتابخانه از آن استفاده کنند.

دکتر مرادی: طی صحبت‌هایی که با آقای اشعری داشتیم قرار شد نام امسال را در کتابخانه ملی سال ایران‌شناسی بگذارند و قول دادند که مجموعه ایران‌شناسی را هم از نظر کتاب کامل

کنند و از نظر بودجه هم در شرایط فعلی دو سوم بودجه خرید را به خرید منابع ایران‌شناسی اختصاص داده‌اند. من امیدوارم که این کار انجام شود و مقدار زیادی از کمبودهای مرکز ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی تأمین شود چون اگر آن منابع تأمین شوند نیروی فعال کتابخانه می‌تواند آنها را فهرست کند و در مجموعه ادغام کند و ویرایش جدید آن را منتشر کند.

یکی از حاضران: در حین مطالعه متوجه عدم یکدستی در آوانویسی زبان‌ها نسبت به هم شدم و اینکه در برخی موارد در یک زبان هم این عدم یکدستی تا اندازه‌ای وجود داشت، به عنوان مثال، ما دو نوع برخورد در آوانویسی داریم یکی آوانویسی بر اساس شکل شنیداری است و دیگر آوانویسی بر اساس شکل نوشتاری و الفبایی. مثلاً الف و لام (ال) تعریف را که تلفظ نمی‌کنیم در یک شیوه دقیقاً می‌نویسد مثلاً برای دارالخلافة می‌نویسند Dar al-khelafeh و در شیوه دیگر چون «ال» تلفظ نمی‌شود به‌جای آن از «ل» استفاده می‌شود مثل Darolkhelafeh.

سلطانی: اصولاً آوانویسی هر زبانی شیوه‌نامه خودش را دارد و با هم یکدست نیستند. مثلاً زبان آلمانی شیوه‌نامه مربوط به خود را دارد انگلیسی، فرانسه و زبان‌های دیگر هم همین طور. این بحث بسیار بحث شده و گاهی ایراداتی هم گرفتند. کار فهرست‌نویسی برای عامه مردم انجام می‌شود و نه برای زبان‌شناسان. در مورد شیوه‌های آوانگاری باید بگوییم که من متخصص زبان آلمانی نبودم و آن فردی که متخصص بود و ما به ایشان اعتماد کرده بودیم آن سیستم را درست کرد و من و آقای فانی نمی‌توانستیم در آن قسمت‌ها دخالت داشته باشیم.

دکتر مرادی: از حضور همه استادان و کارشناسان در این نشست تشکر می‌کنم.

سلطانی: اصولاً آوانویسی هر زبانی شیوه‌نامه خودش را دارد و با هم یکدست نیستند. مثلاً زبان آلمانی شیوه‌نامه مربوط به خود را دارد انگلیسی، فرانسه و زبان‌های دیگر هم همین طور